

رُؤِيَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ»

مروری بر مباحث گذشته

بحث ما راجع به تربیت بود و گفته شد اولین محیطی که به طور غالب انسان در آن ساخته میشود محیط خانوادگی و رابطه تنگاتنگ پدر و مادر با فرزند است؛ و در سه رابطه فرزند تربیت میشود چه از نظر دیداری، چه شنیداری و چه کرداری. جلسه گذشته وارد این بحث شدم که آن چیزی که در باب تربیت نقش زیربنایی و اساسی دارد، مسئله حیاء است. یعنی پرده داری که در مقابل آن پرده دری است و حیاء هم یک غریزه انسانی است. یعنی هر انسانی مفطور است به حیا و مابه الامتیاز انسان از سایر حیوانات همین است.

بالآخره در آخر جلسه به روایاتی که وارد شده بود (که هم عامّه داشتند، هم خاصّه) در گفتار انبیاء -یعنی بحث این نیست که یک پیغمبر بوده است. بلکه گویا همه پیامبران الهی این مطلب را داشتند- اشاره کردم که «إِذَا لَمْ تَسْتَحْ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ»؛ اگر حیاء را از دست دادی آنجاست که دست به هر جنایتی میزنی. و روایتی از علی (علیه السلام) که میفرماید: «الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ»، حیاء است که مانع میشود انسان دستش آلوده به کار زشت و قبیح شود؛ چه قبح شرعی باشد، چه قبح عقلی باشد.

بحث راجع به اولین محیطی بود که انسان در آن محیط ساخته میشود، که محیط خانوادگی است و ایام طفولیت که در این مقطع زمانی سریع در طفل اثر میکند؛ هم در بُعد دیداری، هم در بُعد شنیداری

و هم در بُعد رفتاری، و عمیق هم اثر میکند. جلسه گذشته بحث را در باب تربیت، بر این محور قرار دادم که آنچه نقش اساسی دارد عبارت از عنصر حیا است و در مقابل آن وقاحت است. آن پرده داری و این پرده دری است.

* امر قرآن کریم به اجازه خواستن کودکان نابالغ هنگام ورود به خلوتگاه پدر و مادر

در باب محیط خانوادگی در ارتباط با اطفال میروم سراغ آیاتی که در قرآن هست. در سوره نور است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ۚ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ۚ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾

خطاب به مؤمنین است؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید مملوکهای شما (چون مملوکات محرم بودند) و کودکان نابالغ شما در سه وقت اجازه وارد شدن بگیرند. یعنی هنگامی که میخواهند در اتاقهای شما وارد شوند شما را آگاه کنند. منظور کودکان نابالغ است!

اول: پیش از نماز صبح. دوم: هنگام نیمروز که جامه های خویش را می نهید. سوم: بعد از نماز عشاء، یعنی وقتی که آماده خواب میشوید. بعد میفرماید: «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» اینها، سه وقت خلوت شماست. «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ»؛ در غیر این سه وقت بر شما و آنها باکی نیست که بدون اجازه و آگاه ساختن، سرزده بر شما وارد شوند. چون آنها و شما با یکدیگر زیاد ارتباط دارید؛ این اشاره به

رابطه تنگاتنگِ داخل خانه بین فرزند و پدر و مادر است. در ادامه میفرماید: خداوند آیات را چنین بیان میکند، خداوند دانا و حکیم است. آیه بعد: «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ» چون کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، باید مانند دیگران اجازه ورود بگیرند. دیگر بین آنها و دیگران فرقی نمیکند.

سه مطلب را که مربوط به بحث من است میگویم؛ اول: آیه شریفه میگوید: در سه نوبت فرزندان شما اگر بخواهند در اتاقهای شما وارد شوند کسب اجازه کنند. این که من تعبیر به اتاق میکنم، به این جهت است که در آیات قبل میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» که مسئله آگاه ساختن و اجازه گرفتن در وارد شدن است. «حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا» یعنی شما سرزده وارد نشوید. در آیه «بیت» داریم، بیت آن موقع به اتاق اطلاق میشده اما «دار» خانه است که صحن و حیاط دارد.

اجازه خواستن پیامبر اکرم (ص) هنگام ورود به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

آیه بعدی آن این است: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ» که پیغمبر اکرم خودشان هم به همین عمل میکردند که هیچ وقت سرزده وارد نمیشدند، این را هم شما زیاد شنیدید که حتی وقتی میخواست وارد خانه فرزندش یعنی یگانه دخترش بشود، میآمد درب خانه میایستاد و میفرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوتَةِ» اگر اجازه ورود میدادند داخل میشد، اگر نه، بار دوم میفرمود، اگر اجازه ورود نمیدادند بار سوم... اگر پیغمبر میدید اجازه نمیدهند، برمیگشت. سرزده وارد نمیشد این آیه هم به همین شیوه اشاره میکند.

عرض کردم اینکه تعبیر به اتاق کردم جهت آن این است که آیات قبل آن بیوت دارد، مراد از «بیت» هم اتاق است، ولی «دار»، خانه است. جای این بحثها اینجا نیست و من خیلی نمیخواهم طلبگیش بکنم، میخواهم فقط به آن اندازهای که مربوط به بحثم است اشاره کنم.

امر قرآن کریم در این آیات به پدر و مادر است نه فرزندان!

اینجا سه نوبت برای وارد شدن فرزندان مطرح میکند: صبح، ظهر، شب. اما در اینجا این خطاب به بچهها نیست، خطاب به بزرگترهاست، به پدر مادرها است. میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ندارد یا ایهها الأطفال. ای پدرها و مادرها! بچههایتان باید در سه نوبت که در اتاق شما وارد میشوند از شما اجازه بگیرند و شما را آگاه کنند که میخواهند وارد اتاق شوند. سه نوبت چه وقت است؟ صبح، ظهر، شب. در اینجا شاید کسی بگوید آخر چرا؟ بچه ام است، آن هم بچه نابالغ (صریح آیه است: «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ»، بچه های نابالغ شما، یعنی هنوز بالغ نشده است، او باید اجازه بگیرد و تو باید این روش تربیتی را به او بدهی) میگوید چرا باید اجازه بگیرد؟ در آیه راجع به ظهر (یعنی در وسط روز) توضیح میدهد. و بعد از توضیح، صبح و شب آن را هم میفهمید، در وسط روز که راجع به ظهر است («وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ» این مربوط به ظهر است) چه میگوید؟

من اینجا یک توضیحی بدهم: این آیات در حجاز نازل شده، و حجاز منطقه حارّه (گرم) است. نيمروز که میشد وقتی اينها از سر کار برمیگشتند به خانه، چون هوا گرم بود چه میکردند؟ لباس رو را در میآوردند و تخفیف میدادند، گرمشان بود. کانه نیمه عریان میشدند.

میگوید این سه وقت، اوقات خلوت شماس است، یعنی صبح قبل از نماز فجر که بلند میشوی، از کجا بلند میشوی؟ از داخل بستر بیرون میآیی. به تعبیر روز میگوییم: هیچوقت ما نشنیدیم کسی با لباس بیرون از منزل بخوابد. موقعی که از خواب بلند میشوی، از رختخواب میآیی تو نیمه عریانی یعنی لباس خواب تن تو است. بعد از نماز عشاء چه؟ چون آن موقع نماز عشاء را که میخواندند، میرفتند در بستر که بخوابند. موقع خواب در لباس تخفیف میدهند. «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ» بچه های نابالغ در این سه موقعیت اگر بخواهند وارد شوند در اتاق شما که خلوتگاه شماس است، باید به آنها یاد بدهی و تربیتش کنی که با اجازه و آگاه ساختن شما وارد بشوند. به در بزند و کسب اجازه کند؛ چون تو نیمه عریانی و در این حالت شما را نبیند.

عَلَّتِ امر به اجازه خواستن: دریده نشدن حیای فرزندان

چرا؟ اینها همه برای این بوده است که وقتی تو نیمه عریانی و او با این حال وارد شود پرده حیای او دریده میشود. معمولاً در این حالت نیمه عریانی که آدم هست چه بسا یک سنخ اعمال قبیحه هم از او صادر بشود که قبح عقلی و عرفی و امثال اینها دارد. در جلسه قبل گفتم، نسبت به فرزندان شماها پرده داری را بیاموزید نه پرده دری را. نگاه کنید بچه های نابالغ را میگوید.

این آیات همه در سوره نور است که مسئله عَفَّت و عفاف را مطرح میکند. عَفَّت را گفتم که شاخه حیاء است؛ که من بعداً در باب مسئله عَفَّت وارد میشوم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
«همین کاری را که پیغمبر میکرد، درب خانه دخترش که میرسید سلام میکرد و میفرمود: «السَّلامُ
علیکم یا اهل بیت النبوة» سرزده داخل نمیشد. «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ
لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ»، بدون اجازه وارد نشوید «وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا» اگر به شما گفته
شد بازگردید، باز گردید. الآن در یک حالی نیست که بتواند تو را بپذیرد.

بعد در آنجا وقتی یک سنخ احکام را مطرح میکند، در آخر حتی نسبت به آن کسانی را که در باب
ازدواج امید ازدواج آنها نیست، مثل عجوژهها (پیرزنها)، میگوید: «وَلَيْسَتْغَفِیْ الذِّینَ لَا یَحِدُونَ نِکاحاً» و
کسانی که دیگر امید ازدواج برای آنها نیست عفاف بورزند. روی عفت دارد دور میزند «وَلَيْسَتْغَفِیْ»
عفت را برای آن کسانی که دیگر عجوژه شده و دیگر امید اینکه او ازدواج کند نیست. میگوید او هم
عفت! هم از بچه عفت، هم از پیرزن عفت.

انتقاد از بی مبالاتی پدران و مادران در نوع پوشش خود و فرزندان

بعد من میرسم به احکام ولی این را به شما بگویم، اسلام بر محور پرده داری است که پرده داری امری
است فطری برای انسان، مابه الامتیاز انسان از حیوانات است، روی این تکیه میکند، همسو با او است.
نکند یک کاری کنی آنچه را که من در نهاد او گذاشتم به عنوان ودیعه الهیه که حیاست، این پرده را
تو پدر و مادر بدری! بچه نابالغ را میگوید. بالغ شد که هیچ! وای به حال آن کسانی که این بچه های
نابالغ را نیمه عریان در ملأ عام بیاورند، وای به حالتان! میگوید در خانها، در اتاقت که میخواهد بیاید
- ای پدر، ای مادر - به او بگو وقتی خواست وارد شود، به درب بزند و اجازه بگیرد و سرزده وارد نشود.
وای به حال تو ای پدر و مادر! که - نعوذ بالله - خودت بخواهی اینگونه در ملأ عام بیایی، تو مسلمانی!؟

تو دنباله رو فاطمه (سلام الله علیها) هستی؟! آیه خواندم برای تو، من اهل خطابه و شعار نیستم! میگوید اینها در این سه نوبت اجازه بگیرند. چون آن سه نوبت که در اتاقت هستی خلوتگاه تو است، نیمه عریانی. با لباس خواب هم تو را نبیند، پرده حیای او دریده میشود.

عنصر حیاء در حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

همه شما شنیده‌اید دیگر و میدانید که پیغمبر اکرم (ص) راجع به حضرت زهرا (سلام الله علیها): فرمود «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» فاطمه پاره تن من است. میدانید این را چه جاهایی گفته است؟ اکثر مواردی که پیغمبر گفته است «این پاره تن من است» کجا بوده است؟ در چه رابطهای گفته است؟ این تعبیر متواتر است، عامه و خاصه نقل کرده‌اند، در این هیچ شبهه‌ای نیست، یک نفر شبهه نکرده که این را پیغمبر اکرم نگفته است، من چند مورد آن را میگویم:

بهترین زنها کیست؟

اول: داریم پیغمبر اکرم خودشان نشسته بودند و اصحابشان هم بودند، سؤال کرد: «ما هو خَيْرُ النِّسَاءِ؟» بهترین زنها کیست؟ راوی میگوید: «فَلَمْ نَدِرْ مَا نَقُولُ» گفتیم نمیدانیم چه بگوییم، «فَصَارَ عَلَيَّ إِلَى فَاطِمَةَ فَأَخْبَرَهَا بِذَلِكَ»؛ دارد آنجا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رفت و وارد منزل شد و قضیه را گفت. گفت یک همچنین سؤالی پیغمبر کرده همه در جواب آن مانده‌اند، زهرا (سلام الله علیها) گفت: بهترین زنان، آن زنی است که به مرد نامحرم نگاه نکند و مرد نامحرم هم او را نبیند. علی (علیه السلام) برگشت، به پیغمبر جواب را گفت. پیغمبر رو کرد و گفت: «فَقَالَ لَهُ: مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا؟»، بگو ببینم چه کسی این را

به تو یاد داد ؟ «قال: فاطمة» گفت: فاطمه. اینجا بود که پیغمبر فرمود: «إِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي» یک مورد اینجا بود. در روایت دیگری آمده است که علی (علیه السلام) فرمودند: «قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ أَيْ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنَّا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِفَاطِمَةَ فَقَالَتْ مَا مِنْ شَيْءٍ خَيْرٍ لِلْمَرْأَةِ مِنْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ صَدَقَتْ إِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي [۱۱].»

حجاب از مرد نابینا

دوم: روایت از امام هفتم (علیه السلام) است که این را شنیدید و شاید منبرها برای شما نقل کرده باشند، من اینها را میگویم چون من در اینجا نکته دارم، یک شخص نابینایی آمد و اجازه گرفت که وارد بشود، و زهرا (سلام الله علیها) بلافاصله رفت و پوشش را بر تن کرد. ما میگوییم چادر. هرچه بود. پیغمبر رو کرد به او و گفت چرا رفتی چادر سرت کردی؟! اینکه نابینا است! البته این را پیغمبر عمداً گفت، برای اینکه این مطلب به من و تو برسد. (ای مادرها! توجه کنید) گفت این که تو را نمیبیند «فَقَالَتْ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَهُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي»؛ زهرا (سلام الله علیها) عرضه داشت: او من را نمیبیند؛ ولی من که او را میبینم! او بوی من را استشمام میکند. من نشنیده‌ام که زهرا (علیها السلام) مثلاً آن موقع عطر زده بوده است. اینجا پیغمبر فرمود: من گواهی میدهم که تو پاره تن منی.

پوشاندن خود از نامحرم؛ نزدیکترین حالات زن به پروردگار

سوم: پیغمبر اکرم راجع به زن از اصحابش سؤال کرد و بعد گفت: «مَتَى تَكُونُ أَذْنَى مِنْ رِبَّاهَا» در چه حالتی است که زن خیلی به پروردگارش نزدیک میشود؟ نزدیکترین جا به پروردگارش کجا است؟ قرب الی الله تعالی مراتب دارد، درجات دارد. آنجایی که خیلی نزدیک میشود به خدا کجاست؟ «فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ (سلام الله علیها) ذَلِكَ قَالَتْ: أَذْنَى مَا تَكُونُ أَنْ تَلْزَمَ قَعَرَ بَيْتِهَا» وقتی زهرا (سلام الله علیها) شنید با یک جمله کنایهای فرمود: آن حالتی که خودش را از نامحرم میپوشاند، نزدیکترین حالت به خدا است. نه نماز! نه سجده! نه روزه! آن وقت میدانی پیغمبر چه گفت؟ «فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي

خیلی روایت داریم؛ من فقط این موارد را گفتم. کجاها گفت؟ در چه رابطهای گفت؟ مربوط به چه خصوصیت او بود که پاره تن اوست؟ آنجایی را که پرده دار است نه پرده در.

احکام اسلام بر محور حیاست

من مقصدم این بود. ما بسیاری از احکامی که در شریعت داریم چه در بُعد اجتماعی، چه در بُعد فردی بر محور حیاست. در بُعد اجتماعی و فردی مثال میزنم:

در بُعد اجتماعی: شما خیلی میگویید امر به معروف نهی از منکر، البته این روزها لَفَلَقَه زبان شده است ولی عملاً خبری نیست. شوخی هم میکنند، نمیخواهم حرفهایی را بزنم. این پرده داری است و پرده دری در سطح جامعه. اینکه نهی از منکر واجب است برای همین است. میخواهد پرده دری کند در جامعه؛ منکر، پرده دری است. جلوی پرده دری در جامعه را میخواهد بگیرد، میگوید نهی از منکر واجب است. چرا؟ چون پرده دری است در جامعه، پُررو کردن مردم نسبت به خدا است، حریم الهی

مثال در بعد فردی: غیبت حرام است. چرا؟ چون پرده دری است، عیب دیگران را فاش کردن و بازگو کردن حرام است. این پرده دری است. میگوید حرام است. باید پرده دار باشی نه پرده در.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ أَلْقَى جِلْبَابَ الْحَيَاءِ فَلَا غِيبَةَ لَهُ كَسَى كَاسَ الْخَيْرِ، وَبَدَأَ بِأَمْرِ عَظِيمٍ. (بخاری، ۵۶۷۸)

زاد، اینجا غیبت او اشکال ندارد. حتی پیغمبر در روایت «جلباب» یعنی پرده مصرف میکند. یعنی خودش، خودش را بیابرو کرده است. نگاه کنید من به عنوان مثال گفتم، غالب احکام شرعی بر محور حیا است. من نمیخواهم وارد این بحث بشوم، این بحث خودش، بحث مفصلی است، چه فردی آن، چه اجتماعی آن، محور، حیا و پرده داری است و در مقابل پرده دری است که حرام است. پرده داری واجب و پرده دری حرام است.

وظیفه پدر و مادر شکوفا کردن عنصر حیات در فرزند است

حالا غرض این که: چون بحشم راجع به خانواده بود، پدر و مادر باید این غریزه انسانیهای که در او است را شکوفا کنند نه اینکه حیا را در بچه سرکوب کنند. لذا آیه صریحاً اینها را میگوید. تا میگویی آخر این چه قیافهای است که دختر بچه را بیرون آوردی؟ میگوید هنوز تکلیف نشده است؛ تویی که محرم او هستی، قرآن میگوید بدون اجازه وارد نشود، آن وقت تو او را نیمه عریان آوردهای در ملا عام؟ خاک بر سر شیطان. - نعوذ بالله - خودت هم در کنار او همین گونه؟ - نعوذ بالله - گفتم نمیتوانم من حرف بزنم، بدان که تو داری به او روش میدهی و تربیتش میکنی و او را بی حیا بار میآوری.